تکمله

شهادت می‌دهم طالقانی از امضای فتوا ناراحت بود

محمد محمدی‌گرگانی

■ چندی پیش در روز ۱۹ شهریور گذشته ویژه‌نامه‌ای به مناسبت سی و دومین سالگرد درگذشت آیت‌الله سید محمود طالقانی به ضمیمه روزنامه «شرق» منتشر شد که یکی از مطالب منتشرشده در آن ویژه‌نامه، مصاحبه با دکتر محمد محمدی‌گرگانی، یکی از کادرهای سازمان مجاهدین خلق در سال‌های پیش از انقلاب اسلامی و از هم‌بندان آیت‌الله طالقانی در زندان بود. او چندی بعد تکمله‌ای بر آن مصاحبه افزود که به نظر خوانندگان می‌رسد. گفتنی است آنچه در گفت‌وگوی چاپ‌شده از قلم افتاد که در بند یک این تکمله به آن اشاره می‌شود، بخش‌هایی است که به دلیل تراکم مطالب و عدم گنجایش صفحات از گفت‌وگو حذف شده بودند.

چند مورد در مصاحبه با اینجانب نیاز به اصلاح دارد که ذیلا مطرح می‌گردد؛

۱- در مورد فتوای صادره در سال ۱۳۵۵ در زندان اوین – فتوای نجس بودن مارکسیست‌ها، تکیه این جانب بر این بود که مرحوم طالقانی پس از امضای فتوای مورد نظر به حیاط زندان آمد، بسیار خسته و ناراحت بود، به ایشان عرض کردم که نیمی از زندانیان ما و بسیاری از مبارزین فلسطینی ما مارکسیست هستند، این افراد از شما انتظار ندارند که آنان را نجس بدانید، ضمن آنکه این نگاه با اساس تفسیر شما از قرآن انطباق ندارد و همچنین این فتوا موجب تغییر شرایط بچه‌های زندان نخواهد شد، باز هم مجبورند در کنار هم زندگی کنند. ایشان فرمودند به خدا خیلی ناراحت هستم، خسته شدم، شما (یعنی من) بروید و امضای مرا پس بگیرید، عرض کردم آقا، آنان که حرف مرا با حضور شما نمی‌پذیرند، باز تکرار کردند که به خدا پشیمانم اما بسیار خسته‌ام.

من دیگر ادامه ندادم زیرا احساس کردم اصلا شایسته نیست، اصرار کنم.

من در مصاحبه عرض کردم، من مسوولانه این حرف را می‌زنم و بر آن شهادت می‌دهم که مرحوم طالقانی از امضای فتوا ناراحت بودند، در حالی که در روزنامه چنان نقل شده که گویی من گفته‌ام که شهادت می‌دهم که مرحوم طالقانی فتوا را امضا کرده است.

۲- در مصاحبه مزبور نام مرحوم ربانی‌املشی آمده، در حالی که من در زندان با مرحوم ربانی‌شیرازی بوده‌ام، نه ربانی‌املشی.

۳- من حمایت مرحوم طالقانی از سازمان مجاهدین خلق را قبل از سال ۱۳۵۰ نشنیدم، اما مرحوم احمد رضایی دایم از طالقانی می‌گفت و به او ارادت ویژه داشت، تصور من این بود که مرحوم طالقانی نیز سازمان را تایید می‌کنند.

ادامه از صفحه ۱۱

درآمدی بر تاریخ روزنامه شرق

در شماره اول شرق، سعید نفیسی یاداشتی به یادگار گذاشته که گویای مرام و ماهیت فکری تحریریه شرق و توضیحی بر چرایی پیدایش مجله شرق است: «مجله شرق به تاکید و اصرار عده‌ای از فضلای درجه اول تهران پیدا شده است. مدت‌ها بود که جمعی از دانشمندان تهران خود را به وجود مجله که ناشر تحقیقات ایشان باشد محتاج می‌دانستند و از اینکه مجله ادبی منظمی نیست که حاوی کلیه فروع ادبیات ایران به مصداق جدید باشد متاسف بودند و بالاخره نگارنده هم از این ماموریت کمال مباهات را دارد و مفتخر است که در آغاز هر ماه بهترین صحایفی را که از زیر قلم ادبای معروف تهران بیرون آمده است به خوانندگان عرضه کند... خط و مشی این مجله ادبی ماهانه بنا بر شوری که با فضلای تهران شده است و به تصویب ایشان رسیده آن است که این مجله نماینده حال کنونی ادبیات ایران خواهد بود. به این معنی که تحقیقات ادبی و تاریخی ادبای متجدد ایران را انتشار خواهد داد و سعی خواهد کرد به دنیای معاصر ثابت کند که در زمان حاضر ادبیات ایران تمام فروع مصداق جدید را پذیرفته و ایرانی امروز در ادبیات خود همان دقتی را دارد که ملل متمدن در ادبیات خود دارند.» همان‌طور که ملاحظه می‌شود مشی فکری مجله شرق بیشتر استوار بر فعالیت ادبی و تاریخی بوده و در مقایسه با نشریات دیگر تا حد زیادی از جنجال‌ها و هوچی‌گری‌های سیاسی به دور بوده است. نویسندگان شرق از بهترین‌های آن روزها انتخاب شده بودند و همان‌طور که نفیسی نیز وعده داده بود تحریریه این مجله به خانه روشنفکران و ادبای آن روزگار بدل شد. بزرگانی همچون سعید نفیسی، اقبال آشتیانی، ملک‌الشعرای بهار، آقابزرگ علوی، بدیع‌الزمان، سید جمال‌الدین اسدآبادی و...

به بهانه سالروز پایان قیام کلنل محمدتقی خان پسیان

این عاقبت وطن‌پرستی است

محمود فاضلی

کلنل محمدتقی خان پسیان در سال ۱۲۷۰ هجری شمسی در تبریز دیده به جهان گشود. وی ضمن فراگیری دروس اولیه متداول، با تحصیل در مدرسه نظامی به درجه سروانی رسیده و در فرماندهی نیروهای ژاندارمری مشغول به خدمت شد. کلنل بعدها به آلمان عزیمت کرد و در هوانوردی دوره دید و نام خود را به عنوان اولین خلبان ایرانی در تاریخ ثبت کرد.

کلنل پسیان پس از اطلاع از ماهیت کابینه سید ضیاء نسبت به آزادی جمعی از مستبدان و دستگیری برخی از آزادیخواهان همچون مدرس، معتقد بود که تغییر سیستم حکومت به منظور اداره صحیح کشور الزامی است و این امر را از منطقه تحت‌نفوذ خود آغاز کرد. وی به عنوان والی خراسان و تحت کنترل درآوردن شهر با استمداد از نیروهای ژاندارم و سرپیچی از اطاعت حکومت مرکزی با سقوط کابینه سید ضیاء در سوم خرداد و تیرگی روابط با نیروهای انگلیسی مستقر در این منطقه، نارضایتی قبایل و عشایر از حکومت مرکزی، عدم پذیرش والیان قوام‌السلطنه و بازگرداندن ژنرال گلروپ به تهران، حرکتی جدید را آغاز کرد.

در تابستان سال ۱۳۰۰، کلنل محمدتقی خان پسیان با تصرف ادارات دولتی، نظامی و انتظامی استان خراسان، قیام خود علیه دولت قوام‌السلطنه را در دوران حاکمیت رضاخان آغاز کرد. این رویداد، دو ماه پس از سقوط کابینه سیدضیاءالدین طباطبایی و آغاز کار دولت قوام‌السلطنه صورت گرفت. به هنگام کودتای سیدضیاء، قوام‌السلطنه والی خراسان بود و کلنل پسیان فرماندهی ژاندارمری این استان را برعهده داشت. پس از کودتا، خبر رسید که قوام درصدد انجام اقداماتی علیه سید ضیاء است. سید ضیاء نیز مخفیانه به پسیان دستور داد تا او را دستگیر و روانه تهران کند. کلنل پسیان که از ماهیت نخست‌وزیر کودتا مطلع نبود و از طرفی قوام را عنصری ضدمردمی می‌شناخت، دستور دولت را اطاعت کرده و ۱۳فروردین ۱۳۰۰ قوام و عده‌ای از مسوولان شهر را دستگیر و تحت الحفظ روانه تهران کرد. دوماه پس از این واقعه، کابینه سه ماهه سیدضیاء سقوط کرد و قوام که در زندان بود، آزاد و مأمور تشکیل کابینه شد.

چون خبر نخست‌وزیری قوام انتشار یافت، کلنل پسیان به طور ضمنی از اطاعت وی سرپیچی کرد. قوام السلطنه ضمن دریافت کمک از رضاخان و فرستادن نیروی نظامی به خراسان، صمصام السلطنه بختیاری را به حکومت خراسان منصوب کرد. صمصام پیش از حرکت به خراسان تلاش کرد تا مشکل پسیان را از راه مذاکره حل کند. وی به پسیان اطلاع داد با هدف مذاکره با او عازم خراسان است. پسیان نیز به وی پاسخ داد، تنها در صورتی که بدون نیروی بختیاری رهسپار خراسان شود، حکومت او را در این استان خواهد پذیرفت. صمصام که از حل مشکل پسیان با روش‌های سیاسی و گفت‌وگو ناامید شده بود، به قوام اطلاع داد که با وجود پسیان در رأس قوای نظامی ژاندارمری استان خراسان، قادر به حکومت بر این استان نخواهد بود.

عارف، شاعر ملی از کثرت گریه چشمانش خون‌آلود شد و به سر و صورت خود مشت می‌زد و ناله و فریاد می‌کشید. سر و جسد را با آب «سن‌آباد» که معروف است حضرت امام رضا (ع) را هم با همان آب غسل داده بودند، شست‌وشو دادند، موهای سر را شانه زدند و معطر کردند. جسد را روی توپ گذارده و روی آن را مملو از گل و سرانجام او را در مقبره نادر دفن کردند

۵ مرداد ۱۳۰۰، با کمک نیروهای خود تمامی مراکز اداری، دولتی، نظامی و انتظامی استان خراسان را به تصرف درآورد. قوام‌السلطنه نیز درصدد سرکوب پسیان برآمد و قزاق‌های مسلح را به سوی خراسان روانه کرد. علاوه بر نیروی قزاق، قوام که پیش از این خود حاکم خراسان بود و روابط صمیمانه‌ای با خوانین این خطه داشت، به آنان دستور مقابله با پسیان داد.

سردار معزخان بجنوردی به کمک خوانین شیروان موفق به بسیج کردهای قوچان علیه پسیان شد. پسیان نیز برای دفع این شورش، به قوچان آمد و با نیروی اندک خود در جعفرآباد قوچان با شورشیان مواجه شد. در جنگی که روی داد، عده‌ای از ژاندارم‌ها متواری شدند و کلنل نیز ناگزیر با حداقل نیروی باقیمانده به مقاومت پرداخت. سرانجام مابقی افراد نیز کشته شدند. کلنل به تنهایی به مقاومت ادامه داد تا اینکه به محاصره افتاد و با اصابت چند تیر زخمی شد. در حالی که وی آخرین لحظات زندگی را می‌گذرانید، در نهم مهر ۱۳۰۰ سرانجام در ۳۱سالگی جان خویش را در نبرد با اکراد قوچان از دست داد.

مراسم تشییع جنازه پسیان به شکل بی‌سابقه‌ای و با احترام نظامی در مشهد برگزار شد. یک واحد نظامی شامل ۷۵ ژاندارم سوار و ۵۰۰ ژاندارم پیاده، جنازه را تا محل دفن بدرقه کردند و عکس بزرگی از کلنل روی جنازه گذاشته بودند. همچنین عکسی هم از سر جنازه وی گرفته شده که در کنار آن شعر زیر نوشته شده بود:

این سر که نشان سرپرستی است
آزاد و رها ز قید هستی است
با دیده عبرتش ببینید
این عاقبت وطن‌پرستی است

عارف، شاعر ملی از کثرت گریه چشمانش خون‌آلود شد و به سر و صورت خود مشت می‌زد و ناله و فریاد می‌کشید. سر و جسد را با آب «سن‌آباد» که معروف است حضرت امام رضا (ع) را هم با همان آب غسل داده بودند، شست‌وشو دادند، موهای سر را شانه زدند و معطر کردند. جسد را روی توپ گذارده و روی او را مملو از گل و سرانجام او را در مقبره نادر دفن کردند. در مورد قیام کلنل دیدگاه‌های متفاوتی ارایه شده است. اجرای قانون، رعایت عدل و انصاف در حق مردم، سوادآموزی و تصفیه مملکت از فساد و استقلال ایران که از نتایج منفی قرارداد ۱۹۱۹ بود، از اهداف مثبتی است که برای قیام کلنل ذکر شده است.

ادامه از صفحه ۱۱

ذهنیت نوین اجتماعی

دهقانان از پرداخت مالیات‌ها و سهم مالکانه خودداری کرده و نسبت به اجرای وظایف اجباری که از سوی مالکان و ماموران شاه به آنها تحمیل می‌شد بی‌اعتنایی می‌کردند. دهقانان ضمن افزایش حملات خود به خانه‌های خوانین و مالکان، انبارهای آذوقه‌شان را تصرف کرده و اقلام موجود را میان فقرا تقسیم می‌کردند.حزب سوسیال دموکرات ایران در باکو دارای همبستگی نزدیک با سازمان همت و به این ترتیب با حزب سوسیال دموکرات کارگری روسیه بود و از نظر فکری – سیاسی و سازمانی هم تحت تاثیرش قرار داشت و در ادامه موفق به تشکیل سازمان‌هایی در شهرهای انزلی، اصفهان، رشت، تبریز، مشهد، خوی و تهران شد. –وظیفه اساسی حزب عبارت بود از نجات زحمتکشان، کارگران، دهقانان، پیشه‌وران، کسبه و تجار از فشار طبقه ثروتمند و به‌خصوص دهقانان از استثمار زمین‌داران بزرگ.به ابتکار ارژ نیکیدزه (از اعضای فعال حزب سوسیال دموکرات روسیه)، در رشت کلوب بین‌المللی بنیاد نهاده شد تا مرکزی شود برای نشر افکار سوسیالیستی و تحت نظر وی بخشی از مانیفست کمونیست از سوی سوسیال دموکرات‌های رشت به فارسی ترجمه شد.حزب سوسیال دموکرات ایران از مردادماه ۱۲۸۶ در بندرانزلی فعالیت‌های سازمانی –سیاسی داشت و روزنامه ایران‌نو ارگان حزب عامیون ایران بود که به مدیریت رسول‌زاده، عضو حزب سوسیال دموکرات روسیه در قفقاز منتشر می‌شد.جمعیت مجاهدین در برنامه‌ای که در سپتامبر ۱۹۰۷ در شورای نمایندگان سازمان مجاهدان در رشت به تصویب رسید، اهداف و برنامه‌های خود را چنین اعلام داشت: تامین حق انتخاب عمومی با رای مساوی، مخفی و مستقیم، تامین انواع آزادی شامل آزادی بیان، مطبوعات، اجتماعات، آزادی فردی و اعتصابات، مصادره اراضی شاه، بازخرید زمین‌های خوانین و تقسیم آنها بین دهقانان، هشت‌ساعت کار روزانه، تغییر سیستم مالیاتی از طریق بستن مالیات تصاعدی بر ثروت، تعلیمات عمومی اجباری و سایر خواسته‌های دموکرات.در این برهه انقلابیون ماوراء قفقاز نیز تحت عنوان برنج و دواجات، اسلحه قاچاق به ایران می‌فرستادند. جذبه شعارها، اندیشه‌ها و برنامه‌های مطروحه از سوی حزب یادشده بدان حد روبه فزونی نهاد که در حدفاصل سال‌های ۲۰-۱۹۱۸ در بسیاری از شهرها چون رشت، بندر انزلی و تبریز اتحادیه‌های کارگری شکل گرفت و در سال ۱۹۲۱ (۱۳۰۰ خورشیدی)، ۵۶ اتحادیه فعال کارگری در ایران وجود داشت.

منابع:

۱-نهضت میرزا کوچک‌خان جنگلی و اولین جمهوری شورایی در ایران، شاپور رواسانی، نشر شمع، چاپ سوم ۱۳۶۸
۲- جامعه‌شناسی سیاسی، حسین بشیریه، نشر نی، ۱۳۷۴
۳- انقلاب مشروطیت ایران، م.س. ایوانف، شرکت سهامی کتاب‌های جیبی، چاپ سوم، ۱۳۵۷

روایتی دیگر از جبهه ملی ایران

ادامه از صفحه ۱۱

اما تشکیل جبهه ملی ایران به سال ۱۳۲۸ باز می‌گردد. در این سال عمر مجلس پانزدهم به پایان رسید و تعیین تکلیف مساله نفت جنوب به مجلس شانزدهم محول شد. در آبان‌ماه همین سال تعدادی از رجال سیاسی کشور به رهبری زنده‌یاد دکتر مصدق در اعتراض به تقلب در انتخابات مجلس در دربار متحصن شدند. این عده ۲۰ نفره پس از اتمام تحصن نافرجام در منزل او گردهم آمده و پس از مذاکرات مفصل و تشکیل کمیسیون‌های مختلف و تدوین اساسنامه در آبان‌ماه ۱۳۲۸ موجودیت جبهه ملی ایران را اعلام کردند. موسسان جبهه مدیران برخی جراید و سران احزاب و گروه‌های سیاسی بودند که با حفظ تشکل حزبی خود به عضویت جبهه ملی درآمدند و شامل افراد ذیل می‌شدند:

دکتر محمد مصدق، دکتر حسین فاطمی، دکتر مظفر بقایی، حایری‌زاده، حسین مکی، دکتر کریم سنجابی، زیرک‌زاده، محمود نریمان، عبدالغدیر آزاد، عمیدی نوری، سیدعلی شایگان، آیت‌الله غروی، شمس‌الدین امیرعلایی، جلالی نایینی، عباس خلیلی، حسن صدر، رضا کاویانی، ارسلان خلعتبری، یوسف مشار و احمد ملکی. بعدها افرادی مانند اللهیار صالح، غلامحسین صدیقی، امیرتیمور کلالی و داریوش فروهر به جبهه ملی ملحق شدند و عده‌ای همچون عمیدی‌نوری، عباس خلیلی، مظفر بقایی، حسین مکی و احمد ملکی از جبهه ملی خارج شدندبنابر یک اساسنامه چهارماده‌ای، جبهه ملی از هیات موسسان و دسته‌های مختلف ملی طرفدار تامین عدالت اجتماعی و حفظ قانون اساسی تشکیل می‌شد. موسسان هیات اولیه هیات‌مدیره جبهه را تشکیل می‌دادند و سایر دسته‌های ملی نماینده‌ای در آن تعیین می‌کردند و هیچ فردی مستقیما و بدون عضویت در یک گروه وابسته به جبهه نمی‌توانست عضو این تشکل شود. جبهه ملی هدف خود را ایجاد حکومت ملی به وسیله تامین آزادی انتخابات و آزادی افکار اعلام کرد. طبق آیین‌نامه تشکیلاتی، جبهه ملی دارای یک دبیرخانه (متشکل از دبیر جبهه، خزانه‌دار و یک عضو منتخب هیات‌مدیره) شورای جبهه، هیات بازرسی و کمیسیون‌های تبلیغات و انتشارات و انتظامات، نفت و انتخابات بود و در برخی شهرستان‌ها نیز شعب دیگر دایر کرد. گروه‌های تشکیل‌دهنده جبهه ملی اول عبارت بودند از: حزب ایران، حزب ملت ایران (به رهبری داریوش فروهر)، حزب زحمتکشان ملت ایران (به رهبری مظفر بقایی)، مجمع مسلمانان مجاهد (به رهبری شمس قنات‌آبادی) و حزب مردم ایران (به رهبری محمد نخشب). در سال ۱۳۲۸ به دنبال تکرار انتخابات مجلس شانزدهم، هشت نفر از اعضای جبهه شامل مرحوم مصدق، و آقایان مکی، شایگان، بقایی، حایری‌زاده، آزاد و نریمان به مجلس راه یافتند و فراکسیون نهضت ملی را تاسیس کردند، نمایندگان فراکسیون با شعار «ملی شدن نفت در سراسر کشور» هدف خود را حفظ حقوق ایران در قضیه نفت و مخالفت با لوایح پیشنهادی دولت قرار دادند.مساعی فراکسیون در مجلس همراه با تلاش و حمایت نیروهای مردمی و مذهبی در خارج از مجلس و نهایتا ترور یکی از مخالفان اصلی ملی شدن نفت یعنی رزم آرا (توسط خلیل طهماسبی عضو فداییان اسلام) شرایط مناسبی برای تصویب ملی شدن صنعت نفت ایران در اسفند ۱۳۲۹ فراهم آورد. متعاقبا در اردیبهشت ۱۳۳۰ زنده‌یاد دکتر مصدق زمام امور و اجرای طرح فوق را به عهده گرفت. او تعدادی از سران جبهه و در رأس آنها دکتر حسین فاطمی را با خود به کابینه برد. به این ترتیب جبهه ملی بدون آنکه از آمادگی و تدارکات قبلی برخوردار باشد، مسوولیت سنگینی در دولت و مجلس بر عهده گرفت. این در حالی بود که بر اثر گسترش اختلافات داخلی، بسیاری از موسسان جبهه مانند مکی و بقایی به دشمنی با آنان پرداختند، ضمن اینکه سران جبهه ملی به دلیل گرایش سکولار و نیز اختلاف‌اندازی دربار و عمال انگلستان تدریجا حمایت نیروهای وفادار به نهضت ملی را از دست دادند.در همین حال به اعتراف مرحوم دکتر مصدق منهای برخی افراد آزادی‌خواه و مستقل، کسانی به درون جبهه راه یافتند که «آزادی و استقلال را وسیله پیشرفت و اغراض و مقام قرار دادند». ایراد مهم به جبهه ملی در طول سال‌های حکومت این بود که با متمرکز ساختن نیروهای خود بر مبارزات سیاسی بالفعل، از اقدام جهت آموزش و تربیت کادرها و نیروسازی و نیز تدوین راهبرد عملی و واقع‌گرایانه و برنامه‌ریزی مراحل حرکت خود غافل ماند. می‌توان گفت: مصدق پس از قیام ۳۰ تیر ۱۳۳۱ دارای چنان قدرتی بود که بنا به نظر آیت‌الله خمینی حتی می‌توانست شاه و نظام سلطنت را سرنگون کند که به دلیل محافظه‌کاری و تمایل به حفظ نظام پادشاهی مشروطه، بدین مهم توجهی نشد.اختلاف سلیقه، خودمحوری و جاه‌طلبی برخی اعضا، ضعف سازماندهی، عدم شفافیت ایدئولوژیک و خلأ رهبری که با حضور مصدق در پست نخست‌وزیری و ترک عملی جبهه ملی توسط او به اوج خود رسید، از جمله دیگر عللی بود که موجبات سقوط جریان ملی‌گرایی لیبرال و سرنگونی دولت مصدق توسط کودتای انگلیسی ـ آمریکای ۲۸ مرداد را تسریع کرد. هر چند اگر حمایت نیروهای مردمی و مذهبی نبود حکومت مصدق ۱۳ ماه قبل و پس از اختلافات با دربار و استعفای او پایان می‌گرفت و تنها قیام عمومی ۳۰ تیر بود که دیگر بار امکان قدرت مصدق را فراهم کرد. پس از کودتا، برخی عناصر و گروه‌های ملی در قالب نهضت مقاومت ملی فعالیت‌های زیرزمینی محدود و ناموفقی را علیه رژیم آغاز کردند. فعالیت‌های نهضت مقاومت با دستگیری برخی فعالان آن در تهران و شهرستان‌ها به رکود گرایید. دکتر مصدق به حبس و تبعید در احمدآباد محکوم شد و تا پایان عمر (سال ۱۳۴۵) تحت نظر باقی ماند. دکتر فاطمی که به دلیل مواضع تند ضد سلطنتی‌اش بیش از همه مغضوب شخص شاه و دربار بود، پس از چند ماه زندگی مخفی دستگیر و به اعدام محکوم شد.فاطمی تنها عضو جبهه ملی، طی حیات ۳۰ ساله این گروه طی سال‌های قبل از انقلاب (البته بدون کسر سال‌های رکود یا توقف فعالیت) بود که به دلیل ثبات و ایستادگی بر سر عقیده‌اش جان باخت. سایر سران ملی‌گرا به دلیل روحیه غیرانقلابی جز مواردی محدود، حتی دچار دردسر زندان و تبعید که مجازات عادی و شایع نیروهای مخالف رژیم اعم از مذهبی یا برانداز بود هم نشدند.

جدول ۱۳۳۵

افقی:
۱- اثری از ایروین شاو نویسنده آمریکایی- خم شدن ۲- موجد استقلال هند- مردم یک کشور- پدر و مادر ۳- اندیشمند، متفکر- موی فر- کجروی ۴- مزه فلفل- مخفف گناه- خوشه پروین- شهر مذهبی ۵- وحشی- اندام گیاهی- کشوری در قاره سیاه ۶- کشوری در قاره کهن- شهرهای عرب ۷- گاه استراحت- اثری از ژان پل سارتر- بانگ جانور درنده ۸- طرز لباس پوشیدن- درختی که بار ندهد- ابوالبشر- زرد انگلیسی ۹- کمیابی- تهیه کردن- نوعی رنگ مو ۱۰- زورق- بدل گرفتن ۱۱- سرب سیاه- رودی در شرق خراسان- ویتامین جدولی ۱۲- شهر فراری- اندازه- دشمن- دروغگو در غربت فراوان زند ۱۳- خلقت- حیله‌گر- آشکار ۱۴- کاخ فرانسه- از مصالح ساختمان- اثر ماکسیم گورکی ۱۵- چاقو- مکتب آزادی هنر از همه چیز جز آفریدن زیبایی

عمودی:
۱- تعجب کردن- از روزنامه های شوروی ۲- یاقوت- پیاده- هر چیز گستردنی ۳- جمع رند- مرکز کشور چک- ریسمان ۴- بی ثمر باطل کردن- ریسمان- اثری از رابرت لوئیز ۵ -ویتامینی در روغن‌ها- پسر میلاد پهلوان ایرانی- شاعر قصیده سرای عهد قاجاریه ۶- شجاعت- برگه چاپی ۷- آدینه- تمیز، نظیف- رد پا- ضمیر اشاره ۸- فرزند- مهمانی- از افعال ربطی- سنگ ۹- اسب ترک- از صور فلکی- گروهی از مردم- جانوری نیش دار ۱۰- باغ شیراز- از شهر های زنجان ۱۱- دندان‌های نیش- کمک خواه- من و تو ۱۲- لقب حضرت عیسی(ع)- قوت لایموت- خداحافظی بیگانه ۱۳- گاز استخر- کمک- گل شهیدان ۱۴- هوس زن باردار- اهرم- رود خوزستان ۱۵- تندرستی- لوازم‌التحریر

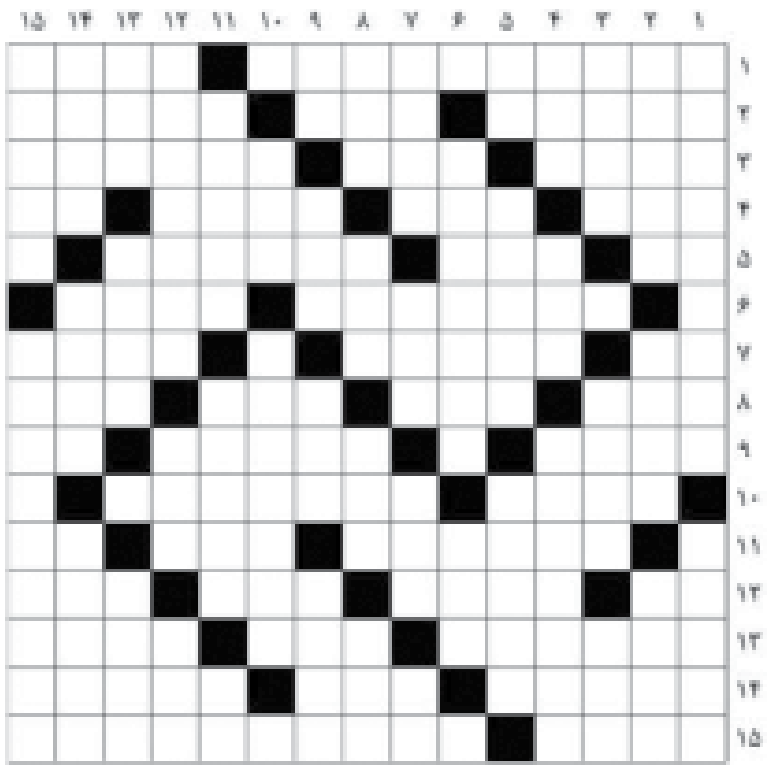

حل جدول ۱۳۳۴

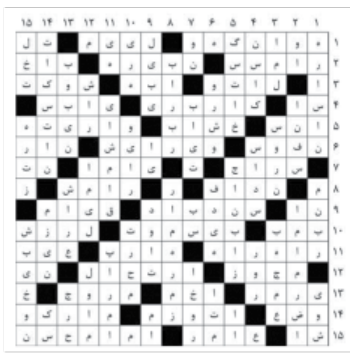

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

حل سودوکو ۳۳۷

۲	۵	۳	۱	۶	۴	۸	۹	۷
۱	۴	۷	۳	۹	۸	۵	۶	۲
۶	۸	۹	۷	۵	۲	۱	۳	۴
۵	۱	۸	۹	۲	۷	۳	۴	۶
۹	۶	۴	۵	۳	۱	۷	۲	۸
۷	۳	۲	۴	۸	۶	۹	۵	۱
۴	۹	۶	۸	۱	۳	۲	۷	۵
۸	۷	۵	۲	۴	۹	۶	۱	۳
۳	۲	۱	۶	۷	۵	۴	۸	۹

سودوکو ۳۳۸

۲			۳	۶		۱	۵	۷
	۷	۵		۸				۴
۹				۵	۴	۳		۸
۶		۳	۴		۷			۹
	۹	۷	۶		۸	۵		
۴		۲					۱	
	۲						۳	۱
۸		۶	۹		۲		۷	
			۱	۴	۵		۶	

قانون‌های حل جدول سودوکو:
۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.
۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.